

برای این آزادی‌ها نامشروع است؛ ثالثاً اصولاً در نظام حقوقی ما، حزب جایگاه چندانی ندارد، لذا این نوع محدودیت بی‌جهت است. در این باره باید گفت ما این نظر را قبول نداریم؛ چراکه نظم عمومی و امنیت دو عنصر مهم‌اند و عمومی قرار دادن تجمعات و مطلق کردن آن، آسیب به این دو عنصر را بیشتر می‌کند؛ لذا تقویت اشخاص حقوقی و حزب اهمیت زیادی دارد.

#### • مسئولیت حقوقی اشخاص درخواست‌کننده اجتماعات

اگر تجمعات مسئولیت حقوقی نداشته باشد، موجب سوءاستفاده اشخاص می‌شود و ممکن است تجمع‌کنندگان هر کاری انجام دهند؛ بنابراین اشخاص باید از مسئولیت حقوقی برخوردار باشند تا طبق قانون حرکت کنند.

#### • قیود حاکم بر اصل ۲۷

طبق یک نظر، اصل ۲۷ فقط دو قید دارد: عدم حمل سلاح و عدم اخلال به مبانی اسلام. حال آنکه نظر مقابل، به قیود مختلف در آن قائل است، از جمله: ۱. امنیت؛ ۲. استقلال؛ ۳. نظم عمومی.

به نظر می‌رسد با توجه به آنچه که در این مقاله بیان کردیم، فقط قیود اصل ۲۶، با توجه به منطبق مذاکرات قانون اساسی، منطبق موضوع‌شناسی (حق آزادی)، قابل حمل بر اصل ۲۷ باشد و هر قید دیگری لغو است.

#### • راهکار عملی ترسیم قید اخلال به مبانی اسلام

دو راه برای سوءاستفاده وجود دارد: ۱. احصای موارد ضروری دین، که طبق زمان و مکان امکان ندارد؛ ۲. تعیین ضوابط و الحاق مصادیقی برای توسعه روان‌شناسی حقوقی؛ یعنی مقنن باید ضوابط چگونگی اجتماع را بیان کند که به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای قانون عادی همین باشد.

#### • ضوابط قید مذکور

الف) بدیهی بودن حکم اخلاقی، عقایدی، فقهی به طوری که هیچ‌کس در اسلامی بودن آن شک نداشته باشد؛

ب) تهدید هویت شعائری جامعه، مخل مبانی اسلام یعنی ضابطه تهدید هویت شعائری جامعه است و ضروری به نظر می‌رسد که مقنن بیان کند هویت شعائری جامعه از ملاک‌های این قید است؛

ج) زمان و مکان در شناخت مفهوم «مخل به مبانی اسلام».

توجه: مرسوم است که در اعلامیه‌های تجمعات قانونی در دنیا، شعارهای اصلی این تجمع بیان شود تا مقنن از متقاضی بخواهد که جنس و محور شعارها را ابلاغ کند. **۱**

مبانی اسلام، در  
اصل همان مفهوم  
مشترک ذهنی  
فقه‌های مجلس  
خبرگان است  
که افاده حقوقی  
هم دارد؛ از این رو  
می‌توان گفت که  
مناطق مخل به مبانی  
با تارک ضروری  
دین یکی است؛  
چراکه عنصر اصلی  
ترک دین، طرد امر  
ثابت شده است تا  
جایی که برخی،  
نشوونما در محل  
اسلامی را برای فهم  
این حقیقت کافی  
می‌دانند. ضروری  
دین و اخلال، هر دو  
در به هم زدن ثبوت  
منطقی و امنیت  
روانی جامعه مبانی  
مشترک دارند.